

## مبانی معرفت‌شناسی مهدویت با تأکید بر منظومه فکری آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه

لیلا محسنیان\*

### چکیده

مهدویت از فروع امامت است و در زمره مباحث کلامی و اعتقادی قرار می‌گیرد. پاسخ به چیستی، چرایی و چگونگی معرفت به امام مهدی رحمته الله علیه از مبانی معرفت‌شناسی مهدویت است که در ضمن سایر اصول اعتقادی بررسی می‌شود. مرحوم آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه از چهره‌های برجسته معاصر در مباحث مهدویت به‌شمار می‌رود. ترجیح‌بند کلام ایشان «یابن‌الحسن» بود و آثار و سخنان بسیاری در این باره از ایشان باقی مانده است؛ از این رو در این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با توجه به آثار مکتوب جمع‌آوری شده از سخنان ایشان، به تبیین مبانی معرفت‌شناسی مهدویت پرداخته‌ایم. با توجه به منظومه فکری آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه، این مبانی را می‌توان در دو دسته امام‌شناسی و انسان‌شناسی بررسی نمود.

مبانی برجسته امام‌شناسی عبارت‌اند از: ولایت و جایگاه امام در نظام وجودی عالم؛ برتری امامت بر نبوت؛ فلسفه وجودی امام زمان رحمته الله علیه؛ مراتب وجودی، شخصیت و ویژگی‌های امام زمان رحمته الله علیه همچون، وراثت اسم اعظم، غنای بالعرض، احاطه قیومی، سعه وجودی و وساطت بین غیب و شهود.

و از جمله مبانی انسان‌شناسی عبارت‌اند از: گستره وجودی انسان در ارتباط با ولایت؛ تفاوت شیعه و محب؛ یاد؛ توسل؛ مسئله غیبت؛ مسئله انتظار.

کلیدواژه: آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه، امام‌شناسی، مهدویت، معرفت‌شناسی، ولایت.

\* دانش‌پژوه سطح ۴ حکمت متعالیه از جامعه الزهراء رحمته الله علیه قم: l.mohsenian20@yahoo.com



## مقدمه

مبانی علم، از گزاره‌هایی تشکیل می‌شوند که دست‌کم در آن علم به استدلال نیاز ندارند و اصول، ساحت‌ها، روش‌ها، اهداف و نتایج آن علم به طور منطقی از آن‌ها استنتاج می‌شوند. معرفت‌شناسی به طور مطلق، شاخه‌ای از فلسفه است که به ماهیت، قلمرو، پیش‌فرض‌ها، مبادی معرفت و نیز به بررسی شایان اعتماد بودن گزاره‌های معرفتی می‌پردازد. (ادواردز، ۱۳۷۹: ۷ تا ۹)

معرفت‌شناسی دانشی است که شناخت انسان را ارزیابی می‌کند، به ارزشیابی نسبت معرفت‌های بشری با واقع و ارائه معیار درستی گزاره‌ها می‌پردازد. معرفت‌شناسی را با توجه به قلمرو بررسی به دو دسته مطلق و مضاف تقسیم می‌کنند: آنجا که معرفت بما هو معرفت در نظر است، یعنی شناخت انسان به صورت مطلق بررسی می‌گردد، معرفت‌شناسی مطلق است؛ و آنگاه که معرفت‌شناسی به حوزه و قلمرویی ویژه از معرفت انسان اختصاص یابد، معرفت‌شناسی مضاف یا مقید نام دارد؛ مانند معرفت‌شناسی اخلاق و معرفت‌شناسی دین.

در این نوع معرفت‌شناسی با نگاهی عقلی، تنها به مبادی حصول گزاره‌ها، ارزشیابی، واقع‌نما بودن یا نبودن و ارائه معیار صدق گزاره‌های آن دانش خاص، می‌پردازند. (فیاضی، ۱۳۹۵: ۲۵ تا ۲۷ و حسین‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۷ تا ۱۹ و همو، ۱۳۹۷: ۲۹ تا ۳۵) در محل بحث، معرفت‌شناسی با قید مهدویت در نظر است؛ از این رو مقصود از «مبانی معرفت‌شناسی مهدویت» گزاره‌های معرفت‌شناسانه مربوط به مبانی مهدویت است که برای استنتاج اصول، ساحت‌ها و اهداف مهدویت به کار می‌روند و باتوجه به اینکه سیر فکری و دستاوردهای حوزه مهدویت به آن‌ها وابسته است، دارای اهمیت‌اند.

«مهدویت» از نظر لغوی، مصدر جعلی و به معنای «مهدی بودن» است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۳: ۱۹۳۳۱) و واژه «مهدی» به معنای «کسی که خدا او را به سوی حق هدایت کرده»، «هدایت‌شده» و «ارشادشده» است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵: ۳۵۴)

مهدویت در اصطلاح، به معنای مهدی‌باوری، مهدی‌گرایی و اعتقاد به امام مهدی عج به عنوان منجی موعود آخرالزمان به کار می‌رود و بیانگر دیدگاه اسلام درباره جهان آینده و آینده جهان است.

مهدویت از فروع امامت خاصه و در زمره مباحث کلامی و اعتقادی قرار می‌گیرد و پاسخ به پرسش‌های اساسی آن نظیر چیستی، چرایی و چگونگی معرفت به امام مهدی عج، مبانی



معرفت‌شناسی مهدویت را تشکیل می‌دهد. پاسخ این پرسش‌ها را باید در ضمن سایر اصول اعتقادی جست‌وجو نمود. مرحوم آیت‌الله ناصر علیه السلام از چهره‌های برجسته معاصر در مباحث مهدویت به‌شمار می‌رود که ترجیح‌بند کلامشان «یا بن‌الحسن» بود و سلوکشان به‌گونه‌ای بود که به گفته یکی از دوستداران ایشان، افراد را با امام زمان علیه السلام رفیق می‌کرد. آموزه برجسته و همیشگی ایشان توجه به حضرت ولی عصر علیه السلام بود. پیوسته شیعیان را به وظایف منتظر واقعی دعوت می‌کرد و الگوی سلوکی به نام «سلوک موالیانه» یعنی سلوکی برمدار محبت امام زنده داشت. برای شاگردانش مدرسه‌ای در سه ساحت اندیشه، عاطفه و اراده بر محور مهدویت، طراحی نمود که لایه اول این مدرسه امام‌محور، «شناخت» و لایه‌های بعدی محبت و عشقی را شکوفا می‌ساخت که فرد سالک را به سوی امام عصر علیه السلام معذب و بی‌قرار می‌کرد. (فروزبخش، ۱۴۰۱: ۱۱۹ تا ۱۶۹) از این‌رو با این نگاه به سراغ آثار ایشان می‌رویم تا به مبانی لایه اول این مدرسه امام‌محور، یعنی شناخت و معرفت امام زمان علیه السلام دست یابیم. آثار و سخنان بسیاری درباره مسائل و ساحت‌های گوناگون مهدویت از ایشان باقی مانده که در مجموعه آثار ایشان به صورت پنج دفتر گردآوری شده است:

۱. «آب حیات» و «سخن دوست» گزیده‌ای از سخنان ایشان درباره حضرت ولی عصر علیه السلام است؛
۲. «در امتداد نور» گزیده‌ای از سخنان ایشان درباره آیات تأویل شده به امام عصر علیه السلام و آخرالزمان است؛
۳. «رسم بندگی»، شرح بخش‌هایی از خطبه حضرت علی علیه السلام در وصف متقیان است؛
۴. «جام اسرار» در سه مجلد، گزیده‌ای از سخنان ایشان در شرح بخش‌هایی از زیارت جامعه کبیره است.

باید گفت که وقتی از منظومه سخن گفته می‌شود، منظور مجموعه‌ای شامل نظام‌های گوناگون است که در عین فراوانی، به هم پیوسته‌اند. بنابراین در منظومه فکری یک متفکر، با نظام‌های فکری گوناگون و به هم پیوسته‌ای روبه‌رو می‌شویم که به وسیله آن‌ها می‌توان در برخورد با مسائل گوناگون، مشکلات را پیش‌بینی کرد و به راهکارهای کلان مسائل دست یافت؛ از این‌رو در این پژوهش تلاش می‌شود، به روش توصیفی تحلیلی و با توجه به آثار جمع‌آوری شده از سخنان آیت‌الله ناصر علیه السلام، به تبیین مبانی معرفت‌شناسی مهدویت در منظومه فکری ایشان در دو گام اساسی پردازیم. به این صورت که این مبانی را در دو موضوع اصلی امام‌شناسی و



انسان‌شناسی جست‌وجو نماییم. از این‌رو نخست به مبانی معرفتی ناشی از مبانی امام‌شناسی و سپس به مبانی معرفتی حاصل از مبانی انسان‌شناسی در منظومه فکری آیت‌الله ناصر علیه السلام می‌پردازیم، تا از این رهگذر به الگویی معرفتی درباره مهدویت، متناسب با چالش‌های بشر امروز برسیم.

## ۱. مبانی امام‌شناسی در اندیشه آیت‌الله ناصر علیه السلام

### ۱-۱. جایگاه امام علیه السلام در نظام وجودی عالم

از مبادی مهم، برای دستیابی به مبانی معرفت‌شناسی در حوزه مهدویت، بررسی جایگاه امام در نظام وجودی عالم است که با دقت نظر مشخص می‌شود، ریشه در مبانی عرفانی و فلسفی شیعه دارد. برای مثال مرحوم آیت‌الله ناصر علیه السلام با تمسک به روایاتی نظیر «وَأَمَّا الْأَئِمَّةُ فُقُومٌ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرْفَاءُهُ عَلَى عِبَادِهِ» (سیدرضی، بی‌تا: ۲۱۲) و «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ» (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۲۳: ۲۸) ائمه علیهم السلام را مجاری فیض و اراده حضرت حق و حضور ایشان را برای برقراری عالم ضروری می‌دانند. (ناصری، الف) (۱۴۰۱: ۱۲۰) که می‌توان این دیدگاه را، متناظر با دیدگاه عرفان اسلامی دانست. در نزد عرفا، حضور انسان کامل در مرتبه قطب بودن نظام هستی ضروری است، به طوری که این حضور و قطب بودن دربرگیرنده تمام مراتب هستی بوده و فقدان ایشان حتی در یک مرتبه، موجب فروپاشی نظام آن مرتبه می‌شود. (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۲۹) که البته این ضرورت حضور، دائمی و مربوط به همه دوره‌ها و زمان‌هاست. در هر زمانی، قوام عالم وجود، به وجود امام آن زمان وابسته است و قوام عالم وجود در عصر حاضر به حضور بقیه‌الله‌الاعظم است. (ناصری، ب) (۱۴۰۱: ۴۹)

همچنین برای ترسیم بهتر جایگاه امام در نظام وجودی عالم، ایشان از تعبیری نظیر قوام‌الله علی خلقه، ولی‌الله اعظم، نماینده حضرت حق، روح عالم وجود، واسطه بین غیب و شهود و ذخیره الهی استفاده می‌کنند و در تفسیر روایاتی که مثل حضرت مهدی علیه السلام را مثل خورشید پشت ابر بیان می‌کنند،<sup>۱</sup> مؤلفه‌هایی را برمی‌شمارند که مبانی معرفت‌شناسی عرفانی را در این باره روشن‌تر می‌کند، از جمله:

۱. راوی می‌گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: یابن رسول‌الله، مردم از حجتی که پنهان است، چگونه بهره می‌برند؟ حضرت صادق علیه السلام در جواب می‌فرماید: همان‌طور که مردم از خورشید بهره می‌برند در هنگامی که ابرها آن را می‌پوشانند؛ مجلسی، ج ۵۲: ۲۹.



الف. محور بودن امام

امام علیه السلام محور عالم امکان و سبب بقای عالم وجود اعم از مجرد و مادی است. خورشید، سبب بقای حیات موجودات کره خاکی است و امام نیز بسان خورشید است و این ویژگی از مقام ولایت کلیه همه ائمه معصوم علیهم السلام برخاسته است: «نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَ الْحَلْقُ بَعْدَ صَنَائِعِنَا»<sup>۱</sup>.

ب. عمومیت لطف امام

امام علیه السلام صاحب لطفی عام، مطلق و فراگیر است که از جمله فروعات آن واسطه رزق بودن برای همه مخلوقات است. در ادعیه آمده است: «بِئْمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ تَبَّتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ»<sup>۲</sup>.

ج. واسطه ظهور مشیت الهی

روایاتی چون «إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيِّطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصُدُّرُ مِنْ يُبُوتِكُمْ»<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴: ۵۷۷) نزول اراده حق در تقدیرات عالم وجود و صدور احکام الهی بر موجودات را در خانه اهل بیت علیهم السلام و از خانه ایشان بیان می‌کنند، به گونه‌ای که حضرت حق به واسطه آن بزرگواران اراده خود را در عالم، جاری می‌فرماید. (ناصری، (ب)، ۱۴۰۱: ۲۳ تا ۳۷)

۱-۲. سلسله مراتب نظام، قواعد و احکام الهی و جایگاه امام علیه السلام

حکمت اسلامی راهکار حل بسیاری از مسائل قبل و بعد از خود را ارائه کرده و از اصول حکمت، توجه به نظام سلسله مراتبی و نگاه تشکیکی به عالم هستی است. با توجه به این اصل، مراتب هستی متباین نیستند؛ بلکه با وجود تفاوت، اشتراک و با وجود کثرت، وحدت دارند و نوع این اختلاف که حافظ یکپارچگی عالم در عین اختلاف آن است اختلافی تشکیکی از نوع شدت و ضعف، تقدم و تاخر یا کمال و نقص است که موجب تشکیک در حقایق به حسب مراتب وجود نیز می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۴۵۴)

با توجه به مبنای صدرایی، آیت الله ناصر علیه السلام، در بحث خاتمیت و تاریخچه انبیا و شرایع

۱. ما دست پرورده و ساخته شده خداوند هستیم و بقیه مخلوقات، [به اذن خدا] دست پرورده و ساخته ما هستند؛

مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵۳: ۱۷۸؛ طبرسی، ج ۲: ۴۶۷؛ طوسی، بی تا: ۲۸۵.

۲. به برکت آن حضرت، به مخلوقات روزی می‌رسد و به سبب وجود آن بزرگوار، زمین و آسمان، استوار می‌شود؛ قمی، ۱۳۸۲: ۱۳۸.

۳. اراده پروردگار، در مدیریت امور، به سوی شما نازل و از خانه شما صادر می‌شود.



الهی در طول تاریخ بشر از آدم تا خاتم، نتیجه می‌گیرند که خدای تعالی برای انسان‌ها قواعد و ضوابطی را تعیین کرده که متناسب با تکامل انسان‌ها با رعایت تدریج و سلسله‌مراتب، کامل شده‌اند. ایشان از تمثیل «کلاس» برای بیان این مطلب استفاده می‌کنند و کلاس هر نبی و انسان‌های مربوط به هر دوران را مخصوص خود آن دوران می‌دانند. با این ویژگی که سپری شدن این دوره‌ها و کلاس‌ها مانند کلاس‌های مدرسه تدریجی و رتبی است و بشر هرچه به زمان خاتمیت و رسول اکرم ﷺ نزدیک‌تر شده، از رتبه برتری برخوردار گردیده است. وی کلاس و رتبه زمان حضرت رسول ﷺ را در مقام تمثیل و تقریب به ذهن، مشابه با رتبه دانشگاه نسبت به مدرسه معرفی می‌کنند و تفاوت مهم دوران حاضر نسبت به سایر دوره‌ها را به فلسفه وجودی امام علیه السلام بازمی‌گردانند. (ناصری، (ب)، ۱۴۰۱: ۳۳)

### ۳-۱. نور واحد بودن پیامبر اسلام ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام

مجموعه‌احادیثی با مضامین گوناگون در جوامع روایی شیعه و اهل سنت وجود دارد که برخی از آن‌ها به آفرینش پیامبر اسلام ﷺ و امام علی علیه السلام از نور واحد و برخی به آفرینش پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام از نور واحد و برخی نیز به خلقت شیعیان از عصاره این نور اشاره می‌کند.<sup>۱</sup> بر این اساس ائمه علیهم السلام از یک نور و به منزله نفس واحد هستند؛ از این رو هر حکمی که درباره یکی از ایشان ثابت شود، درباره سایر ائمه علیهم السلام نیز ثابت است. با توجه به این مبنا، وجود نورانی امام زمان ﷺ در امتداد وجود نورانی رسول اکرم ﷺ دارای برکاتی نظیر برکات وجودی نبی اکرم ﷺ است؛ همچون امان امت از عذاب الهی، سرچشمه حیات، واسطه رزق و تقسیم ارزاق و در مجموع مدیریت عالم. مؤید روایی این مطلب، تفسیری است که ایشان براساس آیه شریف ۶۱ سوره آل عمران<sup>۲</sup> و روایات مرتبط بیان می‌کنند که خلاصه آن بدین صورت است که براساس روایت، حضرت علی علیه السلام نفس پیامبر ﷺ و حسنین علیهم السلام نفس امیرمؤمنان علیه السلام هستند و به ترتیب تا امام زمان ﷺ این امتداد اتحاد انفسی ترسیم می‌شود؛ از این رو هر حکمی برای رسول خدا ﷺ در مدیریت عالم ثابت است برای وجود نورانی امام زمان ﷺ نیز ثابت خواهد بود. (ناصری، (ب)، ۱۴۰۱: ۳۲ تا ۳۷)

۱. رک: صدوق، ۱۳۷۶: ۲۳۶؛ همو، ۱۳۸۵ ق، ج ۱: ۱۳۴؛ ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۸: ۱۵۰؛ ج ۳۵:

۸۴؛ ابن حنبل، ۱۴۰۳ ق، ج ۲: ۶۶۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱: ۵۱؛ ابن شاذان قمی، ۱۳۶۳ ش: ۵۴.

۲. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ...».

#### ۴-۱. برتری امامت از نبوت، فلسفه وجودی امام زمان علیه السلام

براساس آموزه‌های عرفان اسلامی، ولایت، باطن نبوت و نبوت، باطن رسالت است. ولایت، جنبه حقانی و جهت ارتباط با حق است و نبوت وجهه خلقی و جهت ارتباط با فرشته وحی و رسالت ناظر به جهت ارتباط با مردم است؛ به بیانی دیگر، نبوت، ظاهر ولایت و ولایت، باطن نبوت است و ملاک و درجه برتری انبیا به جنبه ولایت ایشان بازمی‌گردد؛ چراکه ولایت درجاتی دارد و با اتمام سفر اول سالک (سفر از خلق به سوی حق) تحقق می‌یابد و پایانش فنای سالک در حق و مقام حق‌الیقین پس از سپری شدن مقامات علم‌الیقین و عین‌الیقین است و البته رابطه ولایت و نبوت، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر نبی، ولایت هم دارد؛ ولی الزاماً هر ولی، نبی نیست. از این رو ممکن است انسانی درجات والاّی ولایت را داشته باشد؛ ولی نبی نباشد و در عین حال از برخی انبیا درجه ولایتش بیشتر باشد. (قیصری، ۱۳۷۵: ۱۵۰ تا ۱۷۰) و این کلام امام خمینی علیه السلام نیز منطبق بر این اصل عرفانی است که فرمودند: همانا مقام امامان چنان والاّست که ملائکه و انبیای مرسل نمی‌توانند به آن برسند. (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۲۵)

#### ۵-۱. ولایت

ولایت، نزد شیعه جایگاهی ویژه و بنیادی دارد و در نظام فکری مرحوم آیت الله ناصر علیه السلام از جمله مبانی محوری معرفت‌شناسی امام زمان علیه السلام به‌شمار می‌رود، به طوری که ایشان ولایت را معنای اتم و اکمل «نورالله» تفسیر می‌کنند. ایشان در تفسیر «نورالله» در آیه شریف ۳۲ سوره توبه<sup>۱</sup>، پنج معنا برای «نور» ذکر می‌کنند که به ترتیب: توحید، اسلام، قرآن، نبوت و ولایت است. سپس چنین استدلال می‌کنند: باتوجه به اطلاق واژه «نور»، می‌توان همه این معانی را پذیرفت؛ ولی نظر به اینکه ولایت، معنای جامع و چکیده چهار معنای دیگر است و لفظ مطلق هم از نظر اصولی به معنا و فرد اتم و اکمل خود انصراف دارد؛ از این رو واژه «نور» به «ولایت» انصراف دارد و بدین ترتیب نورالله همان ولی معصوم و در عصر حاضر، ولی عصر علیه السلام است که به اراده الهی دشمنان، یارای خاموش نمودن نور او را نخواهند داشت. (ناصری، (ج)، ۱۴۰: ۳۲۷ تا ۳۲۸)

مطلب دیگری که می‌تواند این جامعیت و اتم بودن ولایت را نسبت به سایر معانی نشان دهد، بیان اقسام، درجات و رابطه ولایت با طهارت باطنی است. ایشان ضمن تقسیم ولایت به ولایت کلی و جزئی آن را امری دارای مراتب و درجات و وابسته به میزان قرب الهی تحلیل

۱. «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَيْنَا أَنْ نُبْرِئَهُمْ نورهٌ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ».



می‌کنند؛ به طوری که قرب الهی به ولی، قدرت تصرف در اکوان می‌دهد و هرچه این تقرب بیشتر باشد، تصرف، کامل‌تر خواهد بود؛ بنابراین اختلاف و درجات معجزات پیامبران علیهم‌السلام و کرامات الهی به درجات ولایتشان، یعنی میزان قرب به حضرت حق وابسته است و باتوجه به جایگاه وجودی نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سایر ولایت‌ها، جزئی و تنها مرتبه کامل قرب و در نتیجه مقام ولایت کلی از آن پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و از سوی دیگر چون پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصوم علیهم‌السلام نور واحدند، این ولایت کلی، برای ائمه علیهم‌السلام نیز ثابت خواهد بود. سپس ایشان برای نشان دادن نقش بی‌بدیل ولایت به سراغ گستره عبودیت و رابطه‌بندگان با الوهیت و مسئله طهارت باطنی می‌روند.

طهارت در یک تقسیم‌بندی به ظاهری و باطنی تقسیم می‌شود. طهارت باطنی از طهارت ظاهری مهم‌تر است؛ زیرا طهارت ظاهری تنها در برخی از عبادات شرط پذیرش است؛ درحالی‌که طهارت باطنی در همه اعمال از جمله اعمال عبادی شرط است و شرط داشتن طهارت باطنی، پذیرش ولایت ائمه علیهم‌السلام است. (ناصری، (ب)، ۱۴۰۱: ۱۲۱ تا ۱۲۶) بدین ترتیب یکی از ارکان مهم معرفت به جایگاه امام علیه‌السلام در نظام عالم وجود، فهم صحیح مقام ولایت کلی امام علیه‌السلام و به تبع، ولایت کلی امام زمان علیه‌السلام است.

### ۱-۶. مراتب وجودی، شخصیت و ویژگی‌های امام زمان علیه‌السلام

آیت‌الله ناصری رحمته‌الله‌علیه، حضرت حجت علیه‌السلام را به دلیل مقام انسان کامل و کون جامع بودن در تمام مراتب هستی و اکوان از مادی و مجرد، حاضر و صاحب‌اثر می‌داند، و با ویژگی‌هایی چون روح عالم، وارث اسم اعظم و وارث تکوین و تشریح این مطلب را بیان می‌نماید.

#### ۱-۶-۱. روح عالم

ایشان رابطه امام زمان علیه‌السلام و عالم امکان را نظیر رابطه روح و جسد بیان می‌کنند و این مطلب را براساس تفسیر لطیفی از آیه ۳۰ سوره ملک نتیجه می‌گیرند: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»<sup>۱</sup>.

باتوجه به روایات، منظور از آب حیات بخش در آیه شریف، امام زمان علیه‌السلام است که منشأ حیات موجودات و مبدأ قرار کائنات‌اند؛ بنابراین مثل ایشان چون روح عالم است و همان‌طور

۱. بگو به من خبر دهید اگر آب شما [در زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟



که روح منشأ حیات و آثار وجودی کالبد انسانی است و اگر روح نباشد، انسان نیست، اگر امام زمان علیه السلام نباشد، عالم نیست. بقا و نظم عالم به وجود امام علیه السلام است؛ از این رو توجه و مدد مستمر از ایشان ضروری است. (ناصری، (ب)، ۱۴۰۱: ۳۵) و مؤید این کلام این روایت شریف است:

«لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا وَاحِدًا بِإِلَٰهٍ إِلَّا إِمَامٌ مِّنَّا لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا...»<sup>۱</sup> (طبری آملی، ۱۴۰۸: ۲۳۱)

## ۲-۶-۱. وارث اسم اعظم

یکی از ویژگی‌های برجسته امام علیه السلام وارث اسم اعظم بودن است و امام عصر علیه السلام نیز این مقام را از راه وراثت داراست. در زیارت حضرت مهدی علیه السلام وارد شده است: «السَّلَامُ عَلَيَّ وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ الْأَوْصِيَاءِ». (کفعمی، ۱۴۱۲: ۴۹۷) و در روایتی دیگر می‌خوانیم: «الْمُنْتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَصْفِيَاءِ». (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۱۹: ۱۰۱) بنابراین ایشان وارث انبیا هستند و از طریق این وراثت، اموری فراوان به حضرت رسیده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها براساس روایات،<sup>۲</sup> وراثت اسم اعظم است؛ بنابراین ایشان وارث همه اسم‌های اعظمی است که انبیا از آن بهره داشته‌اند.

## ۳-۶-۱. وارث تکوین و تشریح

براساس مبانی بیان‌شده، از جمله نور واحد بودن و مقام وراثت و روایات وارد شده،<sup>۳</sup> چنین استنتاج می‌شود که امام زمان علیه السلام وارث تمام علوم و صفات تکوینی و تشریحی انبیا و اولیا هستند. از جمله در شرح جمله «السَّلَامُ عَلَيَّ الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ»<sup>۴</sup> جامعه کبیره، اهل بیت علیهم السلام در کنار انبیای الهی در زمره دعوت‌کنندگان به حق معرفی شده‌اند. آیت الله ناصر علیه السلام درباره این بحث، نکته‌ای مهم را یادآوری می‌کنند که ممکن است یکی از فلسفه‌های وجودی امام علیه السلام پس از ختم رسل و اكمال دین باشد. ایشان بیان می‌کنند که بین دعوت انبیا و دعوت امام علیه السلام تفاوت وجود دارد. در دعوت امام علیه السلام تنها راهنمایی نیست؛ بلکه دست‌گیری هم هست؛

۱. اگر یک روز زمین بدون امامی از ما اهل بیت علیهم السلام بماند، ساکنان خود را به داخل فرومی‌کشد.

۲. کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۳۰.

۳. مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۳۹: ۳۶؛ روایتی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله در شأن حضرت علی علیه السلام وارد شده که ایشان را جامع علم حضرت آدم، فهم حضرت نوح، مقام خلیلی حضرت ابراهیم، مناجات حضرت موسی، سیاحت حضرت عیسی و صبر حضرت ایوب معرفی می‌کنند و آیت الله ناصر علیه السلام براساس مبانی بیان‌شده از جمله نور واحد و مقام وراثت ائمه اطهار علیهم السلام، امام زمان علیه السلام را نیز جامع این اوصاف می‌دانند.

۴. سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا.



امام علیه السلام دست افراد را می‌گیرند و به حق می‌رسانند و در تعبیری عمیق‌تر، ائمه اطهار علیهم السلام، استاد و معلم همه موجودات عالم، یعنی جمادات، نباتات، حیوانات و انسان‌ها هستند و فراتر از این تعبیر با توجه به روایت، همه عالم وجود، به فرمان اهل بیت علیهم السلام هستند: «وَاللَّهُ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئًا إِلَّا وَقَدْ أَمَرَهُ بِالطَّاعَةِ لَنَا».<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۴۴ و ابن شهر آشوب، ۱۳۹۰، ج ۴: ۵) از این رو منظور از «الدُّعَاةُ إِلَى اللَّهِ» دعوت تشریحی و تکوینی است و مراد از دعوت تکوینی، سیردادن و بالابردن موجودات در مراتب هستی و هدایت به سوی تکامل و رشد آن‌ها و درباره انسان‌ها، دست‌گیری ائمه علیهم السلام به ید الهی خود و سوق دادن انسان‌های آماده از عالم طبیعت، به عالم مجردات و صعود آن‌هاست. (ناصری، (د)، ۱۴۰۱، ج ۱: ۱۴۵ تا ۱۵۰)

#### ۴-۶-۱. ولی‌الله‌الاعظم

امام زمان علیه السلام ولی‌الله اعظم است؛ چون صاحب مقام کامل ولایت است. برای روشن شدن این مطلب، ایشان از ویژگی وراثت انبیا و به صورت جزئی‌تر «وراثت تام معجزات انبیا» برای حضرت حجت علیه السلام بهره می‌برند. آیت‌الله ناصری علیه السلام بر این باورند که معجزه هرنبی از درجه و مقام ولایت آن نبی برخاسته است و از آنجاکه ولایت مراتب دارد؛ معجزات انبیا نیز دارای مراتب و متفاوت است و چون امام زمان علیه السلام وراثت انبیا و به ویژه وراثت تام معجزات انبیا را دارند، توانایی انجام معجزات همه انبیا و هر فعلی به اذن الهی را دارند؛ بنابراین کامل‌ترین مرتبه ولایت، یعنی ولایت مطلق و مقام ولی‌الله‌الاعظم را واجدند. (ناصری، (ب)، ۱۴۰۱: ۴۰ تا ۴۵)

از دیگر ویژگی‌هایی که آیت‌الله ناصری علیه السلام برای امام زمان علیه السلام برشمرده‌اند، عبارت‌اند از: نورانیت و درخشش ویژه حضرت؛ عروج پس از تولد؛ جمع بین اسم و کنیه پیامبر صلی الله علیه و آله که بر هیچ‌کس جایز نیست مگر ایشان؛ حرمت بر زبان راندن نام ایشان در زمان غیبت؛ نداشتن هم‌نشینی با مشرکان و منافقان؛ دربیعت هیچ‌جباری نبودن؛ ظهور مصحف امیرمؤمنان علیه السلام به وسیله ایشان؛ اذن جهاد به فرشتگان و جنیان؛ طول مدت عبادت؛ هم‌نام بودن با اسم اعظم الهی؛ چون نام مبارک حضرت حجت همان اسم اعظم الهی است؛<sup>۲</sup> غنای بالعرض؛ تالی‌تلو قرآن بودن و تصرف نداشتن زمان در ایشان.

۱. سوگند به خدا! خداوند پدیده‌ای را نیافرید جز آنکه آن را به اطاعت ما، فرمان داد.

۲. در این زمینه ایشان خاطره‌ای از استاد خود آیت‌الله کشمیری علیه السلام نقل می‌کنند که اگر اسم اعظم را می‌خواهی از نام مبارک صاحب‌الزمان علیه السلام غفلت نکن و ذکر «یا صاحب‌الزمان اغثنی، یا صاحب‌الزمان ادرکنی» برطرف‌کننده مشکلات مادی و معنوی است؛ ناصری، ۱۴۰۱: ۶۶.

می‌توان این ویژگی‌ها را از فروعات مبانی معرفت‌شناسی یادشده و گزاره‌هایی استنباط‌شده از مبانی بالادانست.

## ۲. مبانی انسان‌شناسی در اندیشه آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه

نوع نگاه ایشان به حقیقت وجودی انسان، مشابه نوع نگاه حکمت‌صدرایی است؛ یعنی همان‌گونه که ایشان به سلسله‌مراتب هستی و قواعد و نظام الهی معتقدند، همچنین حقیقت وجودی انسان را دارای مراتب، حرکت استکمالی جوهری، زیر ربوبیت و پرورش انسان کامل و خلیفه الهی و در نگاهی دقیق «عین الربطی» می‌دانند.

این نگاه را همان‌طور که می‌توان در ضمن مبانی گذشته یافت، همچنین می‌توان در ارتباط گستره وجودی انسان با ولایت، تفسیر و تحلیل ایشان از ویژگی‌هایی مانند توسل، دعا، انتظار، غیبت و نظایر آن نیز جست‌وجو کرد.

### ۲-۱. گستره وجودی انسان در ارتباط با ولایت

وجود انسان در ارتباط و اتصال با ولایت توسعه پیدا کرده، رنگ الهی می‌یابد. وی برای توضیح این مطلب از ویژگی عصمت و مراتب آن بهره می‌برد. بدین بیان که انبیا و امامان علیهم‌السلام واسطه حق و خلق‌اند؛ یعنی جنبه «یلی الحقی» و «یلی الخلقی» دارند؛ پس به ضرورت باید معصوم باشند و عصمت ایشان والاترین مراتب عصمت است و چون عصمت نیز مانند سایر حقایق هستی مراتب دارد؛ اولیای الهی نیز می‌توانند با پیروی از ائمه علیهم‌السلام دارای مراتبی از عصمت شوند. آنگاه سر این مطلب را با تمثیل آهن و آتش بیان می‌کنند: اگرچه آهن به‌طور طبیعی نمی‌سوزاند و طبع آن سرد است؛ ولی اگر مدتی در مجاورت آتش قرار گیرد، سرخ می‌شود و مانند آتش می‌سوزاند؛ یعنی صفات آتش در آهن تجلی می‌کند؛ از این رو به دلیل جنبه حقانی انبیا و ائمه اطهار، صفات حق در آن‌ها متجلی شده و اولیای الهی نیز به دلیل انس، ارتباط و پیروی از دستوره‌های الهی که انبیا و ائمه علیهم‌السلام، آن را به بشر رسانده‌اند، به جلوه حق متجلی می‌شوند: «عَبْدِي أَطْعَنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مَثَلِي أَنَا أَقُولُ لَشِيءٍ كُنْ فَيَكُونُ وَأَنْتَ تَقُولُ لَشِيءٍ كُنْ فَيَكُونُ».<sup>۱</sup> (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸: ۴۱۵)

۱. بنده من، مرا طاعت کن تا تو را مانند خود قرار دهم؛ من به هر چیزی می‌گویم: باش! ایجاد می‌شود؛ تو هم به هر چیزی بگویی: باش! ایجاد می‌گردد.





توجه به ظرفیت و توانایی پذیرنده نیز از جمله نکات مبنایی در نوع نگاه انسان‌شناسانه ایشان درباره مسئله مهدویت است. به عبارتی افزون بر «فاعلیت فاعل»، «قابلیت قابل» نیز شرط لازم برای برقراری این ارتباط و بهره‌مندی از الطاف امام زمان علیه السلام است. در قاعده‌ای که ترسیم می‌شود، کسب قابلیت، سنخیت‌آور است و همگونی، شرط برقراری ارتباط است. پس تا سنخیت حاصل نشود، بهره‌مندی از الطاف امام زمان علیه السلام صورت نمی‌گیرد و برای درک لزوم این همگونی برای شرف حضور، مضمونی قریب به این دارند که: هرگز ظلمت به نور التیام نمی‌یابد، یا به تعبیر دیگر از ایشان: «در سطل زباله، عسل و زعفران نمی‌ریزند.» (ناصری، د)، (۱۴۰۱، ج ۳: ۸۳۵)

بنابراین، میزان دریافت انسان‌ها از انوار قدسی امام علیه السلام به ظرفیت یا به عبارتی پذیرندگی آن‌ها بستگی دارد. یکی از عوامل مهم ایجاد این ظرفیت، رفع حجاب‌هاست که چون ابر غلیظی مانع دریافت انوار قدسی است<sup>۱</sup> و این حجاب‌های غلیظ و ظلمانی همان معاصی و صفات رذیله‌اند. از این رو یکی از راه‌های ارتباط با امام و دریافت فیوضات مقدس ایشان، ایجاد تناسب بین پذیرنده و عطاکننده است که با ترک محرمات و انجام واجبات و به عبارتی سلوک شرعی حاصل می‌شود. بدین ترتیب وجود سالک از ظلمات به سمت نور خارج شده، به توان و ظرف وجودی‌اش مانند حضرتش نورانی می‌شود؛ بنابراین وجود مقتضی (امام علیه السلام) و انجام واجبات شرعی و به عبارتی مؤدب به آداب شرعی شدن) و درمقابل، نبود مانع (حجاب‌های ظلمانی یا همان معاصی، محرمات و صفات رذیله)، هر دو با هم علت تامه بهره‌مندی انسان از نور وجودی امام علیه السلام است و عمده این حجاب‌ها، درونی و همان صفات رذیله انسانی است که بین انسان و امام مانع ایجاد می‌کنند و ضخامت این حجاب‌ها به شدت و ضعف گناهان وابسته است و راه زوال و کم‌رنگ شدن آن، مؤدب شدن به آداب شرعی است. (ناصری، ب)، (۱۴۰۱: ۲۵ تا ۵۵)

## ۲-۲. توسل

باتوجه به نگاه «عین الربطی» و فقر وجودی ماسوی‌الله در حکمت اسلامی، یکی از اصولی که در معرفت‌شناسی مهدوی، می‌توان استنباط کرد مسئله «توسل» است. آیت‌الله ناصری رحمته الله علیه در امتداد همین نظر برای به تصویرکشیدن چهره «توسل» از عبارتی کنایی و درعین حال پرمعنا

۱. رک: مبانی امام‌شناسی، ولایت و جایگاه امام در نظام وجودی.



بهره برده و توسل را از طرفی نوعی «گدایی» و از طرف دیگر «تجارتی بی نیاز از سرمایه» معرفی می‌کنند: «توسل خیلی اثر دارد. گدایی کردن در خانه خدا و ائمه علیهم‌السلام، تجارتی است که سرمایه نمی‌خواهد.» (ناصری، (ب)، ۱۴۰: ۲۹)

از طلب بدون گردن‌کشی و همراه با خضوع و بندگی به گدایی تعبیر کرده‌اند. این طلب، آن‌هم در پیشگاه الهی و اولیای الهی، سبب ترقی و فزونی سرمایه انسانی خواهد شد. در این نگاه، توسل، تجارتی بدون نیاز به سرمایه است و از برکات چنین تجارتی، پیوستن به سرچشمه فیض و به تبع آن تأثیر و نفوذ در قلب‌هاست؛ چراکه: «تا ریشه به آب است، امید ثمری هست.» بنابراین یکی از فلسفه‌های دعا و توسل، ایجاد همانندی و شباهت و در نتیجه بهره‌مندی از فیوضات الهی است. در حدیث قدسی آمده است: «عَبْدِي أَطْعَمَنِي أَجْعَلُكَ مِثْلِي». (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸: ۴۱۵) و گرنه حضرت را به دعای ما چه حاجت است؛ در حالی که او غنی بالعرض و حق تعالی غنی بالذات است. (ناصری، (ب)، ۱۴۰: ۲۹ تا ۷۹)

نکته دیگر اینکه در دعا و توسل، انسان در مسیر عنایت و فیض تشریعی الهی قرار می‌گیرد که این ارتباط از طریق ائمه علیهم‌السلام برقرار می‌شود و این فیض و عنایت مخصوص برخی از مخلوقات است؛ برخلاف فیض تکوینی که بدون طلب بوده، عمومیت خلقی دارد. (ناصری، (الف)، ۱۴۰: ۵۶)

### ۲-۳. مسئله غیبت

یکی از مسائل مهم مهدویت، مسئله غیبت امام زمان علیه‌السلام است و پرسش اصلی در اینجا، به چگونگی غیبت ایشان بازمی‌گردد. اینکه آیا غیبت ایشان، جسمی و از نوع ناپیدایی است یا معرفتی و به معنای ناشناسی است؟ در پاسخ به این پرسش، ابتدا غیبت را به دو نوع معرفتی و جسمی تقسیم می‌کنند و سپس غیبت جسمانی را به دو معنای نامرئی بودن و تصرف در چشمان مخاطب، تقسیم می‌کنند. باتوجه به ادله عقلی و نقلی انواع سه‌گانه غیبت بالا درباره امام زمان علیه‌السلام امکان‌پذیر است. (صدر، ۱۳۸۲: ۱۵ تا ۱۹)

اما مرحوم آیت‌الله ناصری علیه‌السلام باتوجه به مبانی امام‌شناسی و انسان‌شناسی پیش‌گفته بر این باور است که غیبت به معنای ناتوانی مردم در تشرف به محضر امام علیه‌السلام است و مسبب اصلی غیبت، خود انسان‌ها هستند و اگر از طرف مردمان تقاضا و طلب باشد، از جانب امام علیه‌السلام هم حتماً عنایت و عرضه خواهد بود. با این بیان، غیبت تنها به امام زمان علیه‌السلام مختص





نیست و دربارهٔ چهل تن از انبیا نیز چنین گزارشی از غیبت وجود داشته است؛ از جمله غیبت هفت صدسالهٔ حضرت آدم علیه السلام، غیبت سه سالهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب ابیطالب و غیبت طولانی حضرت عیسی علیه السلام بعد از اینکه یهودیان قصد کردند ایشان را بکشند. (ناصری، (ب)، ۱۴۰۱: ۷۱ و همو، (الف)، ۱۴۰۱: ۷۳)

نکتهٔ مهمی که در تحلیل ایشان از مسئلهٔ غیبت وجود دارد، توجه به همان اصل سنخیت و رابطهٔ فاعل و قابل است؛ زیرا در نگاه دقیق عرفانی و حکمت متعالیه که برگرفته از آیات و روایات است - همواره فاعلیت حضرت حق و به تبع، خلیفهٔ الهی تام است و حق تعالی فیاض بی قید و شرط است؛ یعنی فیض الهی همیشگی است و لحظه‌ای قطع نمی‌شود؛ ولی قابلیت پذیرنده، قطع می‌شود و ظرفیت و تقاضای لازم وجود ندارد و این پذیرنده است که درهای رحمت را به روی خود بسته و در ظلمات نفس خویش اسیر است.

ایشان در تأیید و تکمیل این بحث، در شرح جملهٔ «و نُورُهُ وَ بُرْهَانُهُ عِنْدَکُمْ»<sup>۱</sup> از زیارت جامعهٔ کبیره شرط تشریف به محضر امام زمان علیه السلام را ایجاد تناسب و شرط ایجاد این تناسب را مراجعه و عمل به قرآن می‌دانند؛ زیرا بنابر روایت ثقلین، اهل بیت علیهم السلام و قرآن از هم جداشدنی نیستند؛ از این رو امام زمان علیه السلام و قرآن هم سنگ هم هستند. (ناصری، (د)، ۱۴۰۱، ج ۲: ۶۴۸) بنابراین جویندگان آن حضرت علیه السلام باید به قرآن عمل کنند تا شرف حضور یابند.

#### ۴-۲. مسئلهٔ انتظار

انتظار، مبحثی کاربردی است که نقشی اجتماعی دارد و چکیدهٔ مباحث اعتقادی در مهدویت است. از نظر مرحوم آیت الله ناصری علیه السلام انتظار، مفهومی مکتب‌ساز، پویا و توفنده است که می‌تواند به بزرگ‌ترین حرکت‌های اجتماعی منجر شود. انتظار، حالتی روحی است که از ضمیر فرد منتظر برخاسته و در تمام ابعاد زندگی او اثرگذار است. مفهومی مرکب از نفی و اثبات است: نفی وضع موجود و اثبات وضعیت مطلوب و مورد انتظار.

بنابراین به کسی که از وضعیت موجود ناراضی است منتظر گویند و منتظر مهدی موعود علیه السلام کسی است که از ظلم، فساد و بی‌عدالتی ناراضی است و در مرحلهٔ دوم خواهان تغییر این وضعیت و پویا برای اصلاح است. پس انتظار نه حالت تخدیری بلکه وضعیتی توفنده دارد. (ناصری، (ب)، ۱۴۰۱: ۷۵ تا ۷۶)

۱. نور خدای سبحان و حجت خدا نزد شما (معصومان) است.



## جمع‌بندی

باتوجه به سیر بیان‌شده می‌توان نتیجه گرفت:

۱. برای کسب مبانی معرفت‌شناسی مهدویت باتوجه به منظومه فکری آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه مبانی امام‌شناسی و انسان‌شناسی ایشان مطالعه و مشخص شد که این مبانی در اصول عرفانی و فلسفی شیعه ریشه دارند که این اصول نیز به کمک عقل و شهود، از بطن آیات و روایات گرفته شده‌اند. از این رو برای دستیابی به گزاره‌های پایه درست معرفتی و تفکیک آن از گزاره‌های نادرست معرفتی درباره مسئله مهدویت، درنهایت باید به منابع اصلی معرفتی شیعه یعنی آیات و روایات با نگاه عمیق فلسفی و عرفانی رجوع نمود.

۲. از جمله مبانی امام‌شناسی در منظومه فکری آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه که به عنوان مبادی معرفت‌شناسی مهدویت بررسی شد، سلسله‌مراتب داشتن نظام و قواعد الهی، جایگاه امام در نظام وجودی عالم، نور واحد بودن پیامبر صلی‌الله علیه و آله و امام علیه‌السلام، برتری امامت از نبوت، ولایت و جایگاه وجودی آن در عالم و در ادامه بررسی مراتب وجودی، شخصیت و ویژگی‌های امام زمان عجل‌الله فرجه و انطباق آن با موارد یادشده بود.

۳. مهم‌ترین مبانی معرفت‌شناسی مهدویت حاصل از مبانی امام‌شناسی آیت‌الله ناصری رحمته‌الله علیه بدین قرار است: امام زمان عجل‌الله فرجه در مقام انسان کامل و خلیفه الهی؛ واسطه فیض و مشیت الهی؛ صاحب دعوت تشریحی و تکوینی؛ معلم عالم؛ روح عالم وجود؛ صاحب کامل‌ترین مرتبه ولایت؛ وارث اسم اعظم؛ ولی الله الاعظم؛ غنی بالعرض و تالی تلو قرآن است.

۴. مبانی انسان‌شناسی به دست آمده از منظومه فکری ایشان که در کسب مبانی معرفت‌شناسی مهدوی مؤثر بود، عبارت‌اند از: دارای مراتب بودن حقیقت وجودی انسان؛ حرکت استکمالی جوهری داشتن؛ زیر ربوبیت و پرورش انسان کامل و خلیفه الهی بودن انسان و در نگاهی دقیق عین‌الربط بودن انسان و فقر وجودی او.

این مبانی در ضمن مباحث سعه وجودی انسان با ولایت، توسل، غیبت و انتظار بیان شد.

۵. مهم‌ترین نتیجه حاصل از مبانی انسان‌شناسی در معرفت‌شناسی مهدوی بدین قرار است: انسان‌ها در ربط با انسان کامل و خلیفه الهی که در عصر حاضر وجود امام زمان عجل‌الله فرجه است، توسعه وجودی یافته و مانند آهن مجاور آتش که سرخی و حرارت آن را دریافت می‌کند، به صفات الهی متجلی شده و رنگ الهی می‌گیرند.





۶. از جمله راهکارهای عملی کسب ارتباط با امام زمان علیه السلام، توسل است که تجارتنی بی نیاز از سرمایه و پرفایده است و موجب ارتقا، استكمال، ایجاد سنخیت، شباهت و توسعه وجودی انسان می شود و انسان هر قدر به مقام ولایت نزدیک تر شود به همان میزان رنگ ولایی می پذیرد: «العُبودیَّةُ جَوْهَرَةٌ کُنْهَها الرُّبوبیَّةُ».

۷. از جمله مبانی تأثیرگذار در مهدویت، تفسیر و تحلیل ایشان از مسئله غیبت امام علیه السلام است که باتوجه به آن اول اینکه علت غیبت امام علیه السلام خود انسان ها هستند؛ چون فاعلیت امام علیه السلام تام است و اشکال به پذیرش انسان ها بازمی گردد. دوم اینکه مسئله غیبت، تنها به امام زمان علیه السلام اختصاص ندارد؛ بلکه باتوجه به معنای آن برای برخی از انبیا و اولیا نیز رخ داده است.

۸. مهم ترین دستاورد معرفت شناسی مهدوی، یعنی انتظار برخلاف تصور کوتاه نظران، نه تنها موجب رخوت و سکون نیست؛ بلکه وضعیتی توفنده دارد. معنای انتظار از دو بعد نفی و اثبات ترکیب یافته و منتظر کسی است که ضمن نفی وضع موجود، در جهت اثبات وضع مطلوب گام برمی دارد؛ از این رو منتظر نه تنها حالتی تخدیری ندارد؛ بلکه پویاست. منتظر امام زمان علیه السلام بی قرار و در تکاپو برای برطرف کردن موانع ظهور و دستیابی به شرف حضور در محضر اوست.

### کتابنامه

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

\*\*\* مفاتیح الجنان

۱. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: المكتبة الحیدریه، ۱۳۹۰.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، تحقیق: جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴.
۳. حسین زاده، محمد، منابع معرفت، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۴.
۴. \_\_\_\_\_، پژوهشی تطبیقی در معرفت شناسی معاصر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۷.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ج ۱۳، چ اول از دوره جدید: تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۶. صدر، محمد، تاریخ غیبت کبرا، حسن افتخارزاده، تهران: نیک معارف، ۱۳۸۲.
۷. صدرالدین شیرازی، محمدابراهیم، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، قم: المكتبة المصطفوی، ۱۳۶۸.
۸. طبری آملی، محمد جریر، دلائل الإمامة، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸.
۹. طیب، عبدالحسین، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، ۱۳۷۸.
۱۰. فروزبخش، محمود و جمعی از شاگردان آیت الله ناصری رحمته، یادنامه آیت الله ناصری رحمته، اصفهان: شرکت پیام اصفهان زیبا، ۱۴۰۱.
۱۱. فیاضی، غلامرضا، درآمدی بر معرفت شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، ۱۳۹۵.
۱۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، مصباح الکفعمی، بیروت: مؤسسه النعمان، ۱۴۱۲.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۸.
۱۵. موسوی خمینی، سید روح الله، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی رحمته، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۹۲.
۱۶. ناصری اصفهانی، محمدعلی، آب حیات، مجموعه آثار آیت الله ناصری رحمته، (الف)، مجید هادی زاده/تحقیق و تدوین، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱.
۱۷. \_\_\_\_\_، سخن دوست، مجموعه آثار آیت الله ناصری رحمته، (ب)، سید حبیب حسینی رنانی/تحقیق و تدوین، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱.
۱۸. \_\_\_\_\_، درآمد نور، مجموعه آثار آیت الله ناصری رحمته، (ج)، محمود مطهری نیا/تحقیق و تدوین، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱.
۱۹. \_\_\_\_\_، جام اسرار، مجموعه آثار آیت الله ناصری رحمته، (د)، ج ۱، ۲، ۳، سید حبیب حسینی رنانی/تحقیق و تدوین، قم: انتشارات خُلُق، ۱۴۰۱.
۲۰. قیصری، داوود، شرح فصوص الحکم (القیصری)، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.

